

چارچوب راهبردی همکاری مالی ایران و چین با تمرکز بر تجربه‌های بین‌المللی چین

گزارش راهبردی

شماره ۲۵

بهمن ماه ۱۴۰۴

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

خلاصه مدیریتی

- چین با کنار گذاشتن الگوی سنتی «کمک خارجی»، مفهوم «همکاری توسعه‌ای بین‌المللی» را مبنای تعامل خود قرار داده و بر شراکت توسعه‌ای، منافع متقابل، نتایج عملی و تقویت ظرفیت توسعه مستقل کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند.
- این الگو به‌طور مستقیم با دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل پیوند خورده و ابتکار کمربند و راه به‌عنوان سکوی اجرایی اصلی آن عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که کمک، وام، سرمایه‌گذاری و تجارت در چارچوبی یکپارچه و با مرزهای کمرنگ‌شده به کار گرفته می‌شوند.
- وام‌دهی چین عمدتاً از طریق نهادهای دولتی انجام می‌شود و با ویژگی‌هایی مانند محرمانگی گسترده قراردادهای شفافیت محدود و استفاده از سازوکارهای غیرمستعارف همراه است که ارزیابی واقعی بدهی و تعهدات مالی را برای کشورهای دریافت‌کننده دشوار می‌سازد.
- بخش قابل‌توجهی از وام‌های چین با وثیقه‌گذاری حساب‌های بانکی خاص یا درآمدهای صادراتی و اولویت مطلق بازپرداخت بدهی چین همراه است و این بدهی‌ها معمولاً از سازوکارهای بین‌المللی بازسازی بدهی مستثنا می‌شوند؛ امری که ریسک استقلال مالی و حاکمیت اقتصادی کشورها را افزایش می‌دهد.
- چین به بازیگری کلیدی در تضعیف اثر تحریم‌ها تبدیل شده و از مسیرهایی مانند تجارت غیردلاری، شبکه‌های پرداخت و لجستیک جایگزین، بانک‌های منطقه‌ای، شرکت‌های پوششی و نقش محوری هنگ‌کنگ به کشورهای مانند روسیه، ایران و کره شمالی در مدیریت فشار تحریم‌ها کمک می‌کند؛ همکاری‌هایی که ماهیتی عمل‌گرایانه، محتاطانه و مشروط دارند.
- برای ایران، همکاری با چین باید از تأمین مالی کوتاه‌مدت فاصله گرفته و در قالب یک دستورکار توسعه ملی پروژه‌محور تعریف شود؛ به‌گونه‌ای که سبدي از پروژه‌های اولویت‌دار تحریم‌تاب با اهداف روشن، مدل درآمدی مشخص، انتقال فناوری، سهم ساخت داخل و شاخص‌های اثر توسعه‌ای مبنای تعامل قرار گیرد.
- به‌منظور کاهش ریسک‌های مالی و سیاسی، ایران باید بر مدل‌های مشارکت پروژه‌ای واقعی، تنوع‌بخشی به شرکا و ابزارها، شفافیت داخلی، مدیریت ریسک قراردادهای خارجی و تقویت تاب‌آوری داخلی تمرکز کند تا همکاری خارجی در خدمت حفظ استقلال سیاست‌گذاری و ظرفیت توسعه مستقل قرار گیرد.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، نقش جمهوری خلق چین در حوزه کمک‌های خارجی و همکاری‌های توسعه‌ای بین‌المللی به‌طور قابل توجهی گسترش یافته و دستخوش تحولات مفهومی و نهادی مهمی شده است. چین که در دهه‌های ابتدایی پس از تأسیس خود، کمک‌های خارجی را عمدتاً در چارچوب ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک تعریف می‌کرد، از اواخر دهه ۱۹۷۰ و هم‌زمان با آغاز سیاست اصلاحات و گشایش اقتصادی، به‌تدریج رویکردی عمل‌گرایانه و اقتصادی را در این حوزه در پیش گرفت. در دوره‌های بعد، کمک‌های خارجی چین نه‌تنها در خدمت تسهیل توسعه داخلی این کشور قرار گرفت، بلکه به ابزاری برای افزایش حضور و اثرگذاری آن در حکمرانی جهانی تبدیل شد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این تحول، گذار مفهومی از الگوی سنتی «کمک خارجی» به الگوی «همکاری توسعه‌ای بین‌المللی» است؛ الگویی که چین در اسناد رسمی خود، به‌ویژه کتاب سفید سال ۲۰۲۱، بر آن تأکید دارد. در این چارچوب، چین تلاش می‌کند خود را نه به‌عنوان یک اهداکننده، بلکه به‌مثابه شریکی توسعه‌ای معرفی کند که همکاری با کشورهای در حال توسعه را بر پایه منافع متقابل، نتایج عملی و تقویت ظرفیت توسعه مستقل آن‌ها سامان می‌دهد. پیوند این الگو با دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد و استفاده از ابتکار کمربند و راه به‌عنوان سکوی اصلی اجرای آن، به چین امکان داده است تا مجموعه‌ای متنوع از ابزارها - از کمک‌های بلاعوض و وام‌های ترجیحی تا سرمایه‌گذاری و تجارت - را در قالبی یکپارچه به کار گیرد و مرز میان این حوزه‌ها را به‌طور فزاینده‌ای کمرنگ سازد.

با وجود این، گسترش نقش چین در تأمین مالی توسعه و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، به‌ویژه در قالب وام‌دهی، با پیامدها و چالش‌های مهمی همراه بوده است. ویژگی‌هایی نظیر محرمانگی گسترده قراردادهای استفاده از وثیقه‌های غیرمستعارف، اولویت‌بخشی به بازپرداخت بدهی چین و خروج این بدهی‌ها از سازوکارهای متعارف بازسازی بدهی، نگرانی‌هایی را در زمینه شفافیت مالی، استقلال اقتصادی و حاکمیت کشورهای دریافت‌کننده ایجاد کرده است. این مسائل در مورد کشورهایی که تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی قرار دارند، اهمیت دوچندانی می‌یابد.

در چنین بستری، چین به بازیگری کلیدی در ایجاد مسیرهای جایگزین تجاری و مالی برای برخی متحدان خود و مدیریت آثار تحریم‌ها تبدیل شده است. تجربه تعامل چین با کشورهایی مانند روسیه، کره شمالی و ایران نشان

می‌دهد که این همکاری‌ها عمدتاً مبتنی بر رویکردی عمل‌گرایانه، محتاطانه و مشروط است و هم‌زمان فرصت‌ها و مخاطراتی را برای کشورهای طرف همکاری به همراه دارد. بر این اساس، در ادامه این مقاله تلاش می‌شود با بررسی الگوی نوین همکاری‌های توسعه‌ای چین، سازوکارهای عملی آن و نقش این کشور در مواجهه با تحریم‌ها، پیامدهای این الگو برای ایران تحلیل شده و چارچوبی برای ارزیابی فرصت‌ها، محدودیت‌ها و راهبردهای تحریم‌تاب در تعامل با چین ارائه شود.

الگوی نوین چین در همکاری‌های بین‌المللی توسعه

گذار مفهومی: از «کمک خارجی» به «همکاری توسعه‌ای بین‌المللی»

یکی از بنیادی‌ترین عناصر الگوی نوین چین، گذار مفهومی و تغییر چارچوب مفهومی کمک خارجی است. برخلاف الگوی سنتی که بر رابطه «اهداننده - دریافت‌کننده» استوار است، چین تأکید دارد که خود را نه صرفاً یک اهدا کننده بلکه یک شریک توسعه‌ای برای کشورها به خصوص متحدان خود تعریف کند. برای مثال در سند رسمی دولت چین (۲۰۲۱) در مورد تبیین سیاست‌ها، سیاست‌ها و مواضع کلان که به «کتاب سفید»^۱ مشهور است، این کشور عمداً از به‌کارگیری واژه «اهداننده» پرهیز کرده و به‌جای آن مفهوم «همکاری توسعه‌ای بین‌المللی» را به کار گرفت. در این چارچوب، کمک خارجی به‌عنوان کمک متقابل میان کشورهای در حال توسعه تعریف می‌شود که هدف آن دستیابی به منافع مشترک، نتایج عملی و تقویت ظرفیت توسعه مستقل کشورهای دریافت‌کننده است. (OECD, n.d) این الگوی جدید چین بر دو محور کلی بنا شده است:

۱- پیوند مستقیم الگوی نوین چین با دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد

چین در کتاب سفید سال ۲۰۲۱ تصریح می‌کند که کمک‌های خارجی خود را در قالب مدلی جدید از همکاری توسعه‌ای بین‌المللی ارتقا داده است که تحقق اهداف توسعه پایدار را دنبال می‌کند. بر این اساس کمک‌های مالی و غیرمالی چین نه تنها در خدمت توسعه کشورهای دریافت‌کننده است؛ بلکه هم از طریق بهبود تصویر جهانی و

^۱. White paper

هم از طریق تقویت نقش چین در هنجارسازی و قاعده‌گذاری در نظام بین‌الملل به‌عنوان ابزاری برای افزایش قدرت نرم چین نیز عمل می‌کند. (State Council Information Office, ۲۰۲۱)

۲- ابتکار کمربند و راه به‌عنوان سکوی اصلی الگوی نوین

در الگوی نوین همکاری توسعه‌ای چین، ابتکار کمربند و راه نقش یک سکوی محوری و اجرایی را ایفا می‌کند. این ابتکار به‌عنوان چهارچوبی برای هم‌افزایی میان کمک‌های بلاعوض، وام‌های ترجیحی، اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عمل می‌کند و عملاً مرز میان کمک، وام و سرمایه‌گذاری را کمرنگ ساخته است. در همین راستا چین این را ادامه منطقی سیاست «حرکت به بیرون» می‌داند و هم‌زمان آن را به‌عنوان مدلی قابل انتقال از تجربه توسعه داخلی خود برای کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در آفریقا، معرفی می‌کند. (Smith, ۲۰۲۲)

چگونگی اعطای وام توسط چین در همکاری‌های بین‌المللی

بازیگران اصلی وام‌دهی

وام‌های خارجی چین توسط نهادهای دولتی که عمدتاً شامل دو بانک صادرات و واردات چین^۱ و بانک توسعه چین^۲ است صادر می‌شود. این دو بانک، منابع مالی را در قالب وام‌های رسمی یا شبه‌رسمی دولت چین به کشورهای دیگر می‌دهند. ویژگی وام‌هایی که چین صادر می‌کند عبارتند از:

محرمانگی و شفافیت کم

به‌طور قابل توجهی، قراردادهای چین با کشورهای دیگر شامل بندهای محرمانگی گسترده هستند. این بندها به کشور دریافت‌کننده وام می‌گویند که حتی وجود یا شرایط وام نباید افشا شود غیر از مواردی که قانون الزام می‌کند. این ویژگی در بسیاری از نمونه‌های مورد مطالعه دیده شده و بسیار غیرمعمول‌تر از قراردادهای بانک‌های چندجانبه یا کشورهای اهداکننده سنتی است. این مسئله باعث می‌شود اطلاعات درباره جزئیات واقعی وام‌ها معمولاً پنهان بماند یا برای ناظران خارجی قابل ردیابی نباشد. (Morri, ۲۰۲۵)

^۱.China Eximbank

^۲.China Development Bank

وثیقه و ضمانت‌های وام

در تقریباً یک‌سوم قراردادهای وام‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که یکی از مهم‌ترین ضمانت‌ها به‌صورت حساب‌های بانکی خاص است به این صورت که دریافت‌کننده وام باید یک حساب ویژه در بانکی که چین تأیید می‌کند ایجاد کند. در بسیاری از این موارد، این حساب‌ها در خارج از کشور دریافت‌کننده نگهداری می‌شود. وام‌دهنده می‌تواند از این حساب‌ها برای تسویه و گرفتن بازپرداخت قبل از سایر طلبکاران استفاده کند. این نوع ضمانت (که عملاً بازپرداخت قطعی را تضمین می‌کند) در وام‌دهی رسمی سنتی جهانی نادر است. در حدود ۷۵ درصد از قراردادهای چین در مورد اعطای وام، بندهایی وجود دارد که باعث می‌شوند در درجه اول وام چین در زمره اولویت‌دارترین طلبکاران برای بازپرداخت قرار گیرد. دوم اینکه وام‌های چین از فرآیندهای بازسازی بدهی بین‌المللی (مثل پاریس کلاب) مستثنا شوند؛ این بدان معناست که دولت‌های بدهکار نمی‌توانند به‌راحتی بدهی چین را در طرح‌های بازسازی بدهی بین‌المللی تقلیل دهند. این وام‌ها معمولاً سخت‌تر اصلاح یا بخشوده می‌شوند. (Morri, ۲۰۲۵)

کالای وثیقه یا درآمد تضمینی

چین از ضمانت‌های خاص دیگری هم استفاده می‌کند، برای مثال برخی قراردادهای درآمد (مثل درآمد نفت، گاز، یا صادرات) را در قالب وثیقه قرار می‌دهند؛ یعنی کشور بدهکار بخشی از درآمدهای آینده خود را به‌عنوان تضمین وام به چین می‌دهد. این نوع تضمین که در قراردادهای رسمی جهانی نادر است، به چین کمک می‌کند ریسک عدم پرداخت را کاهش دهد و حتی درآمدهای ملی را تا حدی تحت کنترل خود بگیرد. چین عمده‌تأ از درآمد صادرات کالا (نفت، گاز، مس، کاکائو و...) و حساب‌های بانکی خارج از کشور تحت کنترل وام‌دهنده استفاده می‌کند تا بازپرداخت را تضمین کند. این ساختار اجازه می‌دهد که کنترل مستقیم بر جریان‌های نقدی و درآمدهای ارزی به نفع وام‌دهنده اعمال شود و بخش عمده‌ای از درآمدها قبل از رسیدن به دولت کشور بدهکار در حساب‌های وثیقه باقی بماند. یافته‌ها نگرانی‌هایی درباره شفافیت بدهی، استقلال مالی کشورها و مدیریت بدهی عمومی ایجاد می‌کند؛ زیرا این تنظیمات اغلب کم‌اطلاع و غیررسمی هستند و می‌توانند استقلال مالی دولت‌های دریافت‌کننده را تضعیف کنند. تقریباً تمام قراردادهای مورد مطالعه شامل بندهای «فسخ در صورت عدم انجام تعهدات» هستند، اگر کشور بدهکار در پرداخت به سایر طلبکاران یا اجرای مفاد وام کوتاهی کند، چین این حق

را دارد که فوراً بازپرداخت کامل وام را طلب کند. این نوع بندها در قراردادهای تجاری رایج است؛ اما در وام‌های رسمی کشورها با شرایط سیاسی و اقتصادی پیچیده، کمتر دیده می‌شود. در برخی قراردادهای چین دیده شده که این کشور در شرایط مشخص و حتی در مواردی که تغییر در سیاست‌های اقتصادی یا خارجی کشور دریافت‌کننده رخ دهد بخواهد که بازپرداخت سریع‌تر انجام شود. این امر باعث شده است چین فراتر از نقش وام‌دهنده ظاهر شود و توانایی داشته باشد رفتار اقتصادی و سیاست‌گذاری کشور دریافت‌کننده را تحت تأثیر قرار دهد. (Gelpern, ۲۰۲۵)

نحوه کمک چین به کشورهای متحد برای دور زدن تحریم‌ها

یکی از راهبردهای اصلی چین برای تضعیف ابزار تحریم‌ها، تسهیل نظام‌مند و مداوم دور زدن تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی به نفع متحدان نزدیک خود است. این نقش، تصادفی یا موردی نیست، بلکه در مقیاس صنعتی و با حمایت ساختاری حزب کمونیست چین انجام می‌شود. مهم‌ترین ابعاد آن عبارت‌اند از:

- چین با تداوم حجم بالای تجارت با کشورهای به شدت تحریم‌شده، عملاً اثر انزوای اقتصادی را خنثی می‌کند. پکن به این کشورها کمک می‌کند تا خارج از سیستم مالی مبتنی بر دلار آمریکا معامله کنند؛ به کالاهای تحریم‌شده و اقلام با مصرف دسترسی داشته باشند و درآمدهای حاصل از تجارت یا فعالیت‌های غیرقانونی را به دارایی‌های قابل استفاده در اقتصاد جهانی تبدیل کنند.

- چین شبکه‌هایی از حمل‌ونقل و پرداخت را که از نظر سیاسی تحمیل یا تأیید شده‌اند ایجاد کرده است تا واردات و صادرات کالاهای تحریم‌شده یا کنترل‌شده ادامه یابد. مقصد اصلی ناوگان سایه^۱ که شامل نفتکش‌های ایران و روسیه می‌شود کشور چین است. این ناوگان شامل صدها کشتی فرسوده است که مالکیت واقعی آن‌ها پنهان است؛ با پرچم کشورهای مختلف ثبت شده‌اند؛ سیستم‌های شناسایی خودکار (AIS) را خاموش می‌کنند و انتقال کشتی به کشتی در دریا انجام می‌دهند. بخش عمده این نفت به بنادر استان شاندونگ منتقل می‌شود و در پالایشگاه‌های مستقل موسوم به «تی‌پات»^۲ فرآوری می‌گردد. چین

^۱. Shadow Fleet

^۲. teapot refineries

به‌طور آگاهانه مبدأ واقعی نفت ایران و روسیه را در داده‌های گمرکی تحریف یا پنهان می‌کند. (Ayres, ۲۰۲۵)

- چین با ایجاد شبکه‌های پرداخت جایگزین مالی، بانکی و لجستیکی، قدرت تحریم‌های ثانویه آمریکا را کاهش داده و هزینه اجرای تحریم‌ها را بالا می‌برد. این اقدامات به این کشورها امکان می‌دهد تا روسیه جنگ اوکراین را ادامه دهد؛ ایران از نیروهای متحد خود حمایت مالی کند و کره شمالی برنامه‌های تسلیحاتی و سایبری خود را تأمین مالی نماید.

سازوکار پرداخت‌ها توسط چین شامل بانک‌های منطقه‌ای، واسطه‌ها، شرکت‌های پوششی و استفاده از نقش هنگ‌کنگ برای پرداخت‌ها است.

۱- بانک‌های منطقه‌ای چین

پرداخت‌ها برای این کشورها اغلب توسط بانک‌های کوچک یا منطقه‌ای چین پردازش می‌شوند که اتصال محدودی به سیستم مالی مبتنی بر دلار دارند و یا اساساً از قبل تحت تحریم آمریکا هستند. این بانک‌ها عمداً برای کاهش ریسک تحریم ثانویه انتخاب می‌شوند. مانند بانک کانلون^۱ که تحت مالکیت شرکت ملی نفت چین قرار دارد و هدف آن کانال مالی برای ایران در دوره تشدید تحریم‌ها است که به کانون اصلی تسویه حساب‌های ایران و چین تبدیل شد. این بانک با سرمایه ارزی ناشی از فروش نفت ایران به چین در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد؛ اما در سال ۲۰۱۲ توسط آمریکا تحریم شد و امکان مبادله آن به یوان محدود شد. (Bloomberg, ۲۰۲۵)

۲- جدایی لایه به لایه از سیستم مالی بین‌المللی

چین برای انجام تسویه‌های مالی روش‌های متنوعی را در پیش می‌گیرد و سعی می‌کند آن را به شکل لایه به لایه از سیستم مالی بین‌المللی جدا کند تا بهتر بتواند به متحدان خود کمک کند. مراحل به طور کلی این‌گونه است که پرداخت‌ها ابتدا به رمینی پی پرداخت می‌شود، سپس از طریق چندین حساب واسطه جابه‌جا می‌گردد و در نهایت از طریق پولشویی به دلار، یورو یا دارایی‌های دیگر تبدیل می‌شود. (Cipriani, ۲۰۲۳)

^۱.Kunlun of Bank

۳- ایجاد شبکه‌ای مبهم از واسطه‌ها و شرکت‌های پوششی

موضوع مهم بعدی استفاده از شرکت‌های پوششی است که به سرعت در چین و به‌ویژه هنگ‌کنگ ثبت و منحل می‌شوند، در واقع این شرکت‌ها به‌عنوان خریدار، فروشنده یا حمل‌کننده صوری ظاهر می‌شوند. روش کار این شرکت‌ها به این شکل است که فاکتورهای جعلی صادر می‌کنند؛ اسناد مبدأ را دستکاری می‌کنند و زنجیره مالکیت را مبهم می‌سازند تا امکان ردیابی آن‌ها از بین برود. (Donovan, ۲۰۲۵)

۴- استفاده از نقش محوری هنگ‌کنگ

در شرایط فعلی که چین می‌خواهد با عبور از عوارض تحریم‌های آمریکا به متحدان خود کمک کند، هنگ‌کنگ به عنوان گره کلیدی فرار از تحریم‌ها عمل می‌کند؛ زیرا یک مرکز مالی و تجاری جهانی است که شفافیت مالکیت شرکت‌ها در آن پایین است و نقش رابط اصلی بسیاری از بانک‌های چینی با سیستم مالی بین‌المللی ایفا می‌کند. در واقع بسیاری از تراکنش‌ها از سیستم‌های پرداخت مستقر در هنگ‌کنگ عبور می‌کنند؛ از جمله سیستم تسویه دلاری یو ای دی چتس^۱ که یک سامانه انتقال وجوه الکترونیکی لحظه‌ای است و نظارت مستقیم آمریکا بر آن محدود است. (Bickett, ۲۰۲۴)

مورد ویژه کره شمالی

یکی از مواردی که چین به طور خاص به متحدان خود کمک می‌کند نقش محوری در اتصال کره شمالی به نظام پولشویی جهانی است. برخلاف تحریم‌های آمریکا علیه ایران یا تحریم‌های چندجانبه علیه روسیه، چین ادعا می‌کند که از تحریم‌های سازمان ملل علیه کره شمالی حمایت می‌کند و به آن‌ها پایبند است؛ اما در عمل، چین عامل اصلی شکست این تحریم‌ها به شمار می‌رود. اگرچه چین پس از سومین آزمایش هسته‌ای کره شمالی در سال ۲۰۱۳ تجارت خود با این کشور را کاهش داد و در سال ۲۰۱۷ نیز به تشدید تحریم‌ها رأی مثبت داد؛ اما در سال‌های اخیر خواهان محدود کردن تحریم‌ها به شکلی شده که ثبات رژیم کره شمالی را تهدید نکند و در سال ۲۰۲۲ نیز تحریم‌های جدید را وتو کرد. در سال ۲۰۲۳، حدود ۹۸ درصد کل تجارت کره شمالی با چین انجام شده است. با وجود ادعای اجرای تحریم‌ها، چین بسیاری از آن‌ها را نقض می‌کند؛ کره شمالی و چین سابقه طولانی

^۱.United States Dollar Clearing House Automated Transfer System (USD CHATS)

در شبکه‌های مشترک پول‌شویی غیرقانونی دارند. (U.S. Department of the Treasury, ۲۰۲۴) با پیشرفت جرایم سایبری دولتی کره شمالی، امکان پنهان‌سازی پول‌های سرقتی نیز افزایش یافته است. یکی از منابع اصلی درآمد کره شمالی جرایم سایبری است و گروه‌های سایبری سازمان‌یافته در چین نقش مهمی در پول‌شویی این درآمدها دارند. کره شمالی از سال ۲۰۱۷ تاکنون میلیاردها دلار از طریق سرقت ارزهای دیجیتال به دست آورده و سهم بزرگی از سرقت‌های رمزارزی جهان را به خود اختصاص داده است. با این حال، حجم بالای این سرقت‌ها حتی برای شبکه‌های پول‌شویی نیز به مشکلی جدی تبدیل شده است. این اقدامات چین برای کره شمالی معمولاً به روش‌های زیر انجام می‌شود:

- کره شمالی از طریق هک صرافی‌های رمزارز؛ سرقت دارایی‌های دیجیتال و حملات سایبری فراملی تحت حمایت دولت اقدام به سرقت سایبری می‌کند و به وسیله آن میلیاردها دلار درآمد کسب می‌کند.
- اتصال کره شمالی به شبکه پولشویی چین از طریق شبکه‌های سایه، به کره شمالی امکان می‌دهند رمزارزهای سرقت‌شده را به پول واقعی تبدیل کند. این کار از طریق واسطه‌های چینی؛ صرافی‌های غیرشفاف و شرکت‌های پوششی مستقر در چین و هنگ‌کنگ انجام می‌شود.
- دارایی‌های دیجیتال از طریق چند لایه تراکنش مبهم می‌شوند؛ در ادامه به حساب‌های بانکی در چین یا هنگ‌کنگ منتقل می‌گردند؛ سپس برای خرید کالا، خدمات یا تأمین مالی برنامه‌های تسلیحاتی استفاده می‌شوند و چین با عدم اجرای مؤثر تحریم‌های سازمان ملل و چشم‌پوشی از این فعالیت‌ها، عملاً به این پولشویی کمک می‌کند. (Carreras, ۲۰۲۵)

چین چگونه به دور زدن تحریم‌های روسیه کمک می‌کند؟

۱- جایگزینی بازارها و حفظ جریان تجارت خارجی

پس از اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه، چین به بازار اصلی جایگزین برای صادرات روسیه تبدیل شد. روسیه به‌ویژه در حوزه انرژی و کالاهای اساسی (نفت، گاز و مواد خام) به چین متکی شده است. این امر به روسیه اجازه داده است که افت صادرات به اروپا و آمریکا را تا حد زیادی جبران کند و همچنان درآمد ارزی برای تأمین

هزینه‌های جنگ و بودجه دولت داشته باشد. در مقابل، روسیه کالاهای مصرفی، خودرو و واردات فناوریانه چینی دریافت می‌کند که جایگزین کالاهای غربی تحریم‌شده شده‌اند. این جابجایی جغرافیای تجارت یکی از مهم‌ترین روش‌های خنثی‌سازی اثر تحریم‌هاست. (Hilgenstock, ۲۰۲۳)

۲- تأمین نهاده‌ها و فناوری‌های حیاتی (غیرنظامی و مصرف دوگانه)

توانایی روسیه برای ادامه جنگ و حتی حفظ اقتصاد خود، به دسترسی به فناوری و نهاده‌های حیاتی از چین وابسته شده است. چین با فراهم کردن دسترسی به ورودی‌های فناوریانه؛ تجهیزات و کالاهای حساس؛ به روسیه کمک می‌کند تا محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های غرب را دور بزند. این کمک‌ها الزاماً به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم یا شراکت رسمی نیست، بلکه بیشتر از طریق جریان تجارت کالا و فناوری انجام می‌شود.

۳- استفاده گسترده از یوان و روبل به جای دلار و یورو

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دور زدن تحریم‌های مالی، حذف ارزهای غربی از مبادلات دوجانبه است. برای مثال از بعد از جنگ اوکراین سهم ارزهای کشورهای غیردوست در تجارت روسیه به شدت کاهش یافته و حدود ۹۰ درصد معاملات چین و روسیه با یوان و روبل تسویه می‌شود. این روند وابستگی روسیه به سیستم مالی تحت سلطه دلار و یورو را کاهش می‌دهد؛ اثر تحریم‌های بانکی غرب را تضعیف می‌کند؛ و امکان ادامه تجارت حتی در شرایط محدودیت شدید مالی را فراهم می‌سازد. (Perry, ۲۰۲۵)

۴- ایجاد مسیرهای پرداخت و پیوندهای مالی جایگزین

همکاری در حوزه سیستم‌های پرداخت و مالی میان چین و روسیه گسترش یافته است. این پیوندها به روسیه اجازه می‌دهد بدون اتکا به بانک‌ها و شبکه‌های مالی غربی معامله کند و بخشی از فشار تحریم‌های بانکی را دور بزند. البته این همکاری به دلیل تهدید تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه بانک‌های چینی با احتیاط و کندی پیش می‌رود، اما اصل سازوکار همچنان فعال است. (Itskhoki, ۲۰۲۴)

۵- پر کردن خلأ ناشی از خروج شرکت‌های غربی

با خروج شرکت‌های غربی از بازار روسیه، شرکت‌های چینی به صورت فرصت‌طلبانه وارد این بازار شده‌اند. اگرچه سرمایه‌گذاری مستقیم چین در روسیه محدود مانده، اما حضور تجاری چین جای خالی رقبا را پر کرده و دسترسی

روسیه به کالاهای و خدمات موردنیاز حفظ شده است. این امر موجب شده تحریم‌ها اثر فلج‌کننده بر اقتصاد روزمره روسیه نداشته باشند.

۶- حمایت غیرمستقیم از تأمین مالی جنگ

بدون کمک چین، روسیه برای تأمین مالی جنگ و دسترسی به منابع لازم دچار مشکل جدی می‌شود. مواردی مانند درآمدهای انرژی حاصل از صادرات به چین؛ دسترسی به فناوری و کالاهای حیاتی؛ تسویه مالی خارج از دلار و یورو به روسیه اجازه داده است که هزینه‌های جنگ را تأمین کند و فشار تحریم‌ها را جذب کند.

۷- نقش چین در تضعیف انسجام رژیم تحریم‌ها

مشارکت کشورهای مانند چین (و همچنین ترکیه و امارات) در همکاری اقتصادی با روسیه اجرای یکپارچه و سخت‌گیرانه تحریم‌ها را دشوار کرده و شکاف‌هایی در رژیم تحریم‌ها ایجاد کرده است. همین شکاف‌ها باعث شده تحریم‌ها، علی‌رغم هزینه‌های بالا، به هدف نهایی خود (فلج‌سازی کامل اقتصاد روسیه) نرسند. (Ribakova, ۲۰۲۵)

چین و تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران

بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران، به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی پیش از برجام، وضعیت پیچیده و حساسی را برای چین ایجاد کرده است. پکن به‌عنوان یکی از شرکای مهم دیپلماتیک و اقتصادی ایران، کوشیده است این محدودیت‌ها را با رویکردی عمل‌گرایانه مدیریت کند؛ رویکردی که از یک‌سو جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و اهمیت منابع انرژی آن را در نظر می‌گیرد و از سوی دیگر، پایبندی به قطعنامه‌ها و الزامات سازمان ملل متحد را حفظ می‌کند. در این چارچوب، راهبرد چین بر استمرار روابط با ایران بدون نقض آشکار هنجارها و قواعد بین‌المللی استوار بوده است. این دیپلماسی محتاطانه در عمل موجب شده پکن به راه‌حل‌های غیرمستقیم و خلاقانه‌ای مانند استفاده از کشورهای ثالث، به‌کارگیری سازوکارهای مالی خارج از مجاری رسمی، و انجام مبادلات غیردلاری برای تداوم همکاری‌های اقتصادی متوسل شود. در چنین شرایطی راهبردها و پیشنهادهای زیر می‌تواند برای ایران می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

راهبردها و پیشنهادات برای ایران

۱- تبدیل «فشار تحریم» به «دستور کار توسعه ملی پروژه محور»

به جای اینکه همکاری خارجی صرفاً برای تأمین مالی کوتاه مدت تعریف شود، ایران باید یک سبد پروژه‌های اولویت دار تحریم تاب^۱ بسازد (انرژی، شبکه برق، آب، حمل و نقل، لجستیک، اقتصاد دیجیتال، بهداشت). سپس هر شریک خارجی (از جمله چین) فقط در قالب همین پروژه‌های روشن وارد شود. این دقیقاً با ایده‌ی چین درباره گذار از «کمک» به «همکاری توسعه‌ای» و تمرکز بر نتایج عملی و ظرفیت‌سازی هم‌خوان است. در چنین شرایطی پروژه‌ها «هدف، مدل درآمدی، زمان‌بندی، انتقال فناوری، سهم ساخت داخل، و شاخص‌های اثر توسعه‌ای» خواهند داشت و مذاکره از حالت کلی‌گویی خارج خواهد شد.

۲- طراحی «مدل‌های تأمین مالی کم‌ریسک» به جای وام‌های وثیقه‌محور

همان‌طور که اشاره شد برخی وام‌های چینی می‌توانند با محرمانگی، حساب‌های خاص، وثیقه‌گذاری درآمد صادراتی و اولویت بازپرداخت همراه شوند و ریسک استقلال مالی را بالا ببرند. برای مسیرسازی در تحریم، ایران بهتر است به جای تکیه سنگین بر وام‌های پرریسک سراغ مدل‌های مشارکت پروژه‌ای واقعی^۲ BOT/BOO (ساخت – بهره‌برداری – انتقال / ساخت – مالکیت – بهره‌برداری) با تنظیم‌گری دقیق برود. همچنین «سقف تعهد ارزی»، «محدودیت وثیقه بر دارایی – درآمد راهبردی»، و «حق بازنگری در شوک‌های کلان» را در قراردادهای نهادهای نهادینه کند؛ اصل را بر شفافیت داخلی و ارزیابی بدهی بگذارد تا بدهی پنهان تولید نشود.

۳- مسیرسازی از طریق «کانال‌های مجاز و کم‌ریسک» برای کالاهای حیاتی

در شرایط تحریم، پایدارترین مسیر کمک به کشور معمولاً از حوزه‌های انسان‌دوستانه و زیرساخت‌های حیاتی می‌گذرد: دارو، تجهیزات پزشکی، غذا، ایمنی صنعتی، آب، محیط‌زیست و تاب‌آوری شهری. ایران باید بسته‌های همکاری را طوری طراحی کند که قابل دفاع در چارچوب قواعد بین‌المللی و کمتر در معرض ریسک‌های ثانویه

^۱ . تحریم‌تابی (Sanctions Resilience / Sanctions Resistance) یعنی توانایی یک کشور برای حفظ کارکردهای اساسی اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی خود تحت فشار تحریم‌ها، بدون وابستگی به راه‌حل‌های پرهزینه، پنهان یا ناپایدار.

^۲ . BOT (Build–Operate–Transfer) / BOO (Build–Own–Operate)

باشد؛ به ارتقای ظرفیت داخلی (تولید، استاندارد، زنجیره تأمین) ختم شود؛ و مطابق رویکرد چین در پیوند با دستورکار ۲۰۳۰ به زبان «اهداف توسعه پایدار» و همکاری توسعه‌ای قابل صورت‌بندی شده باشند.

۴- استفاده هدفمند از «مزیت ژئوپلیتیکی ایران» در ابتکار کمربند و راه

کمربند و راه سکوی اجرایی چین برای هم‌افزایی در حوزه وام، سرمایه‌گذاری و اعتبار است. ایران باید با کنار گذاشتن تعلل‌های کشنده سابق و غلبه بر بروکراسی زائد داخلی درصدد بهره‌برداری از این فرصت بر بیاید. مهم‌تر اینکه آن را نه صرفاً به پذیرش پروژه؛ بلکه به امتیاز مذاکره‌ای تبدیل کند. ایران همچنین باید اولویت را به پروژه‌هایی که درآمد ارزی پایدار و صرفه‌جویی ارزی ایجاد می‌کنند (لجستیک، ترانزیت، بهره‌وری انرژی، زنجیره ارزش پتروشیمی) بدهد. در نهایت اینکه ایران در این راستا باید ضمن انتقال فناوری و آموزش نیروی انسانی از اینکه ایران فقط یک مسیر برای عبور باشد جلوگیری کند و خود را به هاب خدمات/صنعت تبدیل کند.

۵- «تنوع‌سازی شریک و ابزار» برای کاهش آسیب‌پذیری سیاسی

اگرچه استفاده از تمام مسیرها برای دور زدن تحریم‌ها برای ایران سودمند است؛ اما اتکا به یک گره (مثل هنگ کنگ یا بانک‌های خاص) با توجه به شناسایی آن‌ها توسط غرب می‌تواند شکنندگی ایجاد کند. در این راستا ایران باید با یک سیاست خارجی عمل‌گرا هم‌تنوع در شرکا (کشورهای همسایه، منطقه، اوراسیا، آسیا)؛ و هم‌تنوع در ابزارها (تهاتر قانونی، قراردادهای بلندمدت با شاخص‌های شفاف، سرمایه‌گذاری مشترک واقعی، کنسرسیوم‌های چندطرفه) را در دستورکار قرار دهد تا ریسک نقطه‌تکین^۱ در تجارت و تأمین مالی را کاهش دهد.

۶- تمرکز بر «تاب‌آوری داخلی» به‌عنوان ستون اصلی کمک خارجی

در تحریم، کمک خارجی فقط وقتی اثر دارد که به تقویت ظرفیت توسعه مستقل ختم شود. ایران باید اولویت‌های خود را برای تاب‌آوری بیشتر مورد توجه قرار داد. برای مثال

- بهره‌وری انرژی و کاهش شدت انرژی.
- نوسازی زیرساخت‌های فرسوده (برق، آب، حمل‌ونقل).
- تقویت تولید کالاهای راهبردی (دارو، تجهیزات، قطعات حساس) با استاندارد و کیفیت صادراتی.

^۱. ریسک نقطه تکین (Single Point of Failure) وقتی کل یک سیستم حیاتی (تجارت، پرداخت، تأمین کالا، انرژی) به یک مسیر، یک کشور، یک بانک، یک بندر، یک ارز یا یک سازوکار خاص وابسته باشد اگر همان یک نقطه مختل شود، کل سیستم از کار می‌افتد.

- حکمرانی داده، دولت دیجیتال، و شفافیت زنجیره تأمین برای کاهش هزینه مبادله.

۷- دیپلماسی اقتصادی «کم‌هزینه و قابل دفاع»

چین در عین همکاری، محاسبات خود را حفظ می‌کند و روابط را عمل‌گرایانه مدیریت می‌کند. بنابراین ایران هم باید پروژه‌ها را طوری تعریف کند که برای طرف مقابل هم ریسک حداقلی و منافع روشن داشته باشد؛ از ادبیات و بسته‌های قابل دفاع بین‌المللی (توسعه پایدار، اقلیم، بهداشت، ایمنی انرژی، اتصال منطقه‌ای) استفاده کند؛ بازی را از «سیاسی صرف» به «فنی-اقتصادی قابل سنجش» تبدیل کند.

۸- حفظ استقلال سیاست خارجی در عین همکاری تاکتیکی

تجربه روسیه و کره شمالی نشان می‌دهد که چین در صورت لزوم می‌تواند از ابزارهای مالی و اقتصادی خود برای تأثیرگذاری بر رفتار سیاستی متحدان استفاده کند. ایران باید همکاری با چین را از هم‌ترازی کامل ژئوپلیتیکی تفکیک کند؛ از قفل شدن تصمیمات اقتصادی و سیاستی به منافع و اولویت‌های چین پرهیز نماید و توازن میان شرق‌گرایی و حفظ انعطاف راهبردی را حفظ کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل الگوی نوین همکاری‌های توسعه‌ای و رفتار مالی-اقتصادی چین نشان می‌دهد که پکن در دهه‌های اخیر از یک اهداکننده سنتی کمک خارجی به بازیگری چندبعدی در عرصه حکمرانی جهانی، تأمین مالی توسعه و مدیریت ژئوپلیتیکی تحریم‌ها تبدیل شده است. این تحول، نه تنها بازتاب تغییر اولویت‌های داخلی چین و تجربه توسعه بومی آن است؛ بلکه بیانگر استفاده آگاهانه از ابزارهای اقتصادی، مالی و نهادی برای گسترش نفوذ سیاسی، قدرت گفتمانی و منافع راهبردی در نظام بین‌الملل است. در این چارچوب، گذار مفهومی از «کمک خارجی» به «همکاری توسعه‌ای بین‌المللی» و پیوند دادن آن با ابتکار کمربند و راه و دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰، بستری فراهم کرده است که در آن مرز میان کمک، وام، سرمایه‌گذاری و تجارت عمداً کمرنگ می‌شود.

با این حال، بررسی دقیق سازوکارهای وام‌دهی و همکاری مالی چین نشان می‌دهد که این الگو هم‌زمان با ایجاد فرصت برای کشورهای تحت فشار تحریم، ریسک‌های قابل توجهی نیز در حوزه شفافیت بدهی، استقلال مالی و

حاکمیت اقتصادی ایجاد می‌کند. محرمانگی گسترده قراردادهای وثیقه‌گذاری درآمدهای صادراتی، اولویت‌بخشی مطلق به بازپرداخت بدهی چین و خروج این بدهی‌ها از سازوکارهای متعارف بازسازی بدهی، چین را از یک شریک صرفاً اقتصادی به بازیگری تبدیل می‌کند که قادر است بر رفتار اقتصادی و حتی سیاست‌گذاری کشورهای دریافت‌کننده اثرگذار باشد. تجربه کشورهایمانند روسیه و کره شمالی نیز نشان می‌دهد که کمک چین به تضعیف رژیم‌های تحریمی، ماهیتی کاملاً عمل‌گرایانه و مشروط دارد و تابع ملاحظات کلان ژئوپلیتیکی و منافع ملی پکن است.

در مورد ایران چین نقشی مهم؛ اما محتاطانه در مدیریت اثر تحریم‌ها ایفا کرده است؛ نقشی که نه به معنای مقابله آشکار با هنجارهای بین‌المللی، بلکه مبتنی بر استفاده از سازوکارهای غیرمستقیم، غیردلاری و لایه‌به‌لایه برای تداوم همکاری اقتصادی بوده است. این الگو اگرچه در کوتاه‌مدت به کاهش فشار تحریم‌ها کمک می‌کند؛ اما در صورت فقدان راهبرد ملی منسجم، می‌تواند به وابستگی ساختاری، افزایش بدهی پنهان و کاهش قدرت مانور راهبردی ایران در بلندمدت منجر شود.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌برداری مؤثر ایران از همکاری با چین، مستلزم عبور از رویکرد واکنشی و مقطعی و حرکت به سوی یک راهبرد «تحریم‌تاب» توسعه‌محور است؛ راهبردی که در آن همکاری خارجی در خدمت تقویت ظرفیت توسعه مستقل، تاب‌آوری اقتصادی و حفظ استقلال سیاست‌گذاری قرار گیرد. چین می‌تواند برای ایران یک فرصت باشد، اما تنها در صورتی که این رابطه به صورت هوشمندانه، متوازن و مبتنی بر منافع بلندمدت ملی مدیریت شود؛ در غیر این صورت، همان سازوکارهایی که امروز به کاهش فشار تحریم کمک می‌کنند، ممکن است در آینده به منبع جدیدی از آسیب‌پذیری راهبردی تبدیل شوند.